۹۵۸

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۲

سرکار خانم ژاله بسیار عزیز

نامهٔ گرامی و شعر زیبای شما که با خطی خوش نگاشته شده بود زیارت شد. از خبر بیماری بدیع عزیز سخت ناراحت و متأثر شدم. سرکار خانم نجمی شمه ای از احوال ایشان را بیان داشتند که به راستی ناخوشایند و تأثرانگیز بود. امیدوارم با پیشرفتهای دانش پزشکی بتواند تندرستی را بازیابد. من نیز به اقتضای زمانی که بر ما گذشته است حال مناسبی ندارم. محترم گرفتار ناراحتی قلبی است. من نیز چندان حال خوشی ندارم. فشار کار روزگی، خستگی مفرط، بیمارهای دوران پیری، رفته رفته مسلط می شوند و عرصه را بر ما جوانان قدیم تنگ و تنگتر می کنند. به قول بیدل هندی

سر خوش تسلیم باید بود و بس گر چه این هم، دهم تنگی بیش نیست

خانم ژاله عزیز از این مقوله بگذریم، تمنا دارم مراتب ارادت محترم و مرا بپذیرید. ضمن عرض تشکر امیدوارم بتوانید بر دشواریهای موجود غلبه کنید و روزگار را با خرسندی و شادکامی بگذرانید. نجمی خانم عزیز را گاه افسرده می بینم. رویدادها ناخواهان بر ما اثر می گذارند. نجمی خانم خاطره های خود را به رشتهٔ تحریر کشیده اند که ندیده ام، ولی ایشان ناخرسند بهایی از دیرایستار کتاب و طرز صفحه بندی آن دارند. یاد روزگار جوانی و گذشته های تلخ و شیرین مجموعهٔ زندگی ما را تشکیل می دهند. در خاطره نویسی مهم نتیجه گیری از خاطره هاست. برای من فرصتی در این کار نیست، رغبتی هم ندارم. امّا پی گیری نجمی خانم شایستهٔ تقدیر است. کتاب «موج در موج» را تدارک خواهم کرد. نشنیده ام در کجای از جزایر آنجا اشاره ای به کتابم شده است که شما نسخه ای از آن را دارید. ممنون خواهم شد اگر برای من یک نسخه یا فتوکپی آن را بفرستید. محترم خدمت شما و بدیع عزیز سلام فراوان دارد. سلام گرم مرا به بدیع ابلاغ فرمایید. به بیژن و مهرداد عزیز سلام فروان داریم و تندرستی و شادکامی همگی شما را صمیمانه آرزومندیم قربان شما محترم ـ غلامعلی

نشانی تهران ـ شهرک غرب، کدپستی ۱۴۶۷۹، خیابان خوارزم، خیابان یازدهم، پلاک ۱۲۷۱ تلفن ۸۰۹۰۱۴۵

۰۰۹۸۳۱